

برای پُر ساختن گودال‌های فقر،  
باید تپه‌های دمل‌گونه‌ی سرمایه  
داری را مسطح ساخت و بلندترین  
این تپه‌ها در آمریکاست.

حسن طاهری

## جلوی سرمایه داران را بگیرید، ترور می‌خشکد

هتل «برج العرب» بلندتر از «ایفل» پاریس (سی صد متر) و مجلل‌تر از «تاج محل» با مرمها و پرده‌ها و طلاکاری‌ها یکی از عجایب جهان است. کرایه‌ی یک آپارتمان مجلل در شب، هفت هزار یورو تعیین شده (معادل شش میلیون و چهارصد و شصت هزار تومان). یک پلاژ (ساحل) مصنوعی به نام جزیره‌ی نخل‌ها برای آن درست کرده‌اند که از شگفتی‌های زمان حاضر است. در این جزیره که شبیه یک نخل بزرگ است دویست میلیون مترمکعب خاک در دریا ریخته و ویلاهای متعدد برای پول‌دارهای جهان ساخته شده و اکثر آن‌ها به فروش رفته است. حاکم دبی برای آسودگی رفت و آمد جهان‌گردان، پنجاه هواپیمای جدید به آمریکا سفارش داده. دبی به بزرگ‌ترین پایتخت برای جهان‌گردی، سوداگری، بی‌غمی، بی‌دردی و برو بی‌تبدیل شده. البته در آن همه چیز به دست می‌آید؛ مشروب فراوان، زن و ناز و نوش، انواع پوشش‌ها از مینی ژوپ تا روبند...»

وقتی یک بندر متروکه‌ی عربی به پایگاه اسراف و عیش جهان تبدیل می‌شود، گرسنگان و پابرهنگان دنیا به خوبی می‌توانند، تفاوت طبقاتی زندگی خود را با مردمان آن نقطه درک کنند. رسانه‌ها امروز هیچ حقیقی را پنهان نمی‌گذارند. آیا با چنین وضعیتی دنیا روی آرامش خواهد دید؟ آیا پول‌دارهای دنیا می‌توانند هم‌چنان در پی عیش و عشرت خود باشند، آن هم با دست‌رنج بیچارگان؟ آیا دنیا پول‌دارها در آتش خشم گرسنه‌ها منفجر نخواهد شد؟ برخی از گرسنه‌ها - که جانشان به لب رسیده - بر این باورند: «ترور، تنها پاسخی است که در این مرداب نفس گیر دنیا توانسته است، پاسخ گوی بی‌عدالتی‌ها و زورگویی‌های پول‌پرستان باشد.»

اگر چه همگان می‌دانند که ترور و کشتار راه مناسبی برای رسیدن به آرزوها و آرمان‌ها نیست، اما برای جلوگیری از این پدیده‌ی وحشت‌آفرین می‌توان روی یک تابیلوی بزرگ رایانه‌ای در برابر سازمان بین‌المللی این جمله را به همه‌ی زبان‌های دنیا نوشت: «جلوی سرمایه‌داران و پول‌پرستان را بگیرید، در همه جای دنیا؛ ترور می‌خشکد.»

### برای دورماندن دنیا از آتش ترور، سرمایه‌داری و ولایت سرمایه و پول باید منسوخ شود.

آقای جرج، معادله‌ی مذکور را خوب فهمیده است و به خوبی می‌داند که حضور فقر و بی‌عدالتی می‌تواند ترور را در دنیا دوچندان کند، اما از زاویه‌ی واقعیت آرمان‌گرایانه، هیچ‌گاه به این نکته تأمل نکرده است که هیچ کاشی سر بر نمی‌آورد، جز آن

### کرایه‌ی یک آپارتمان مجلل در برج العرب دبی در هر شب معادل شش میلیون و چهارصد و شصت هزار تومان می‌باشد.

که کوخی آفریده شود. برای پُر ساختن گودال‌های فقر، باید تپه‌های دمل‌گونه‌ی سرمایه‌داری را مسطح ساخت و بلندترین این تپه‌ها در سرزمین آمریکا و کوتوله‌های اوست. نابرابری و بی‌عدالتی وحشت‌انگیز جهان، هرروز از طریق رسانه‌ها و ماهواره‌ها در برابر دید انسان‌ها قرار داده می‌شود. فاصله‌ی زندگی ثروتمندان و گرسنگان چیزی نیست که از چشم مردم دنیا دور بماند. برای دورماندن دنیا از آتش ترور، سرمایه‌داری و ولایت سرمایه و پول باید منسوخ گردد. این حقیقت تلخی است که سرمایه‌دارها با شنیدن آن لرزه براندامشان می‌افتد. آن‌چه که در ذیل می‌آید گزارش کوتاه مجله‌ی اکسپرس است. از سفر به سرزمین کوتوله‌های عرب یعنی کشور دوبی. این گزارش گویای چه تحلیلی برای شماست؟

«چون ذخیره‌ی نفت دوبی ده سال دیگر تمام می‌شود، این کشور به سرعت به سمت توریستی شدن روی آورده است. در کشوری که سراسر ریگ و بیابان است، گران‌ترین خودروها می‌دوند و ساختمان‌هایی رویدهند که آسمان خراش‌های لاس و گاس، بیورل هیل و موناکو بر آن رشک می‌برند. بیست و پنج هتل پنج ستاره و دویست و شصت و پنج اقامت‌گاه دیگر، آماده‌ی پذیرایی‌اند.

«جهان رو به کجاست؟ آیا چاشنی بمب ساعتی کروی خاکی، خورده است و هر لحظه باید منتظر یک Big\_Bang (انفجار بزرگ) دیگر بود؟» بسیاری از مردم جهان، در مواجهه‌ی با رویدادهای پیرامون خود چنین می‌گویند. اما این انفجار، همان چیزی است که خیلی‌ها آن را محصول فربه شدن و متراکم شدن قطب مرقه و متجمل در برابر طبقه‌ی پابرهنگ و گرسنه می‌دانند. این فریگی و تراکم از کجا آغاز شده است؟ شاید بررسی عوامل پیدایش دنیای مدرن و صنعتی و از بین رفتن جامعه‌ی کشاورزی و پیوند خورده با طبیعت، بتواند پاسخ‌هایی برای این پرسش بیابد.

جامعه‌ی کنونی بیش از آن که مبتنی بر رعایت حقوق انسان‌ها باشد، بر پایه‌ی خرید هویت انسان، عمر و انرژی آن‌ها با پول است. پول، حرف اول و آخر را در نظام میلیتاریستی لیبرال دنیای غرب می‌زند. با پول، همه چیز می‌توان داشت. بر اساس این نوع نگرش مادی و سرمایه‌داری است که جهان اولی‌ها برای پول و سرمایه‌شان با حقوق بشر و کنوانسیون‌ها، ناعادلانه‌ترین و تبعیض‌آمیزترین زندگی‌ها را به جهان سوم تحمیل می‌کنند. اگرچه ممکن است که پول‌ها در عناصری چون فرهنگ و هنر، هزینه شده باشند، اما پابرهنگ‌ها و گرسنگان به فجیع‌ترین شکل ممکن و بدون هیچ خون‌ریزی در کشتارگاه‌های فرهنگ و هنر سلاخی می‌شوند.

چه می‌توان کرد؟ آیا مردن یا کشتن تنها راه حل است؟ امید به آینده را چگونه می‌توان یافت؟ وقتی انسان‌ها در جامعه‌ای زیست کنند که در کنار آن‌ها کشورها و آدم‌های پف کرده و منفجر شده، از سیری سوار بر خودروهای لوکس به این سو و آن سو می‌روند، لبه‌های تیز و خشن فاصله‌ی طبقاتی، جرقه‌های خشم و ترور رامی‌آفرینند. جرج دبلیو بوش، رئیس‌جمهور آمریکا در شهر مومنتری مکزیک، در کنفرانس سازمان ملل در مورد کشورهای فقیر می‌گوید: «ما با فقر مبارزه می‌کنیم، تا مردم امیدوار شوند؛ چرا که امید، تنها پاسخ به ترور است»